

یکی از مهمترین نقشه ها برای جدا کردن اسلام و ایران، ترویج این شبهه است که «ما ایرانیان که از خودمان دین و فرهنگی داشته ایم، چرا از دین عربها پیروی کنیم؟!»

این کتاب در صدد پاسخگویی به این شبهه و مشتمل بر سه فصل است: ۱- اسلام و ملیت. ۲- خدمات اسلام به ایران. ۳- خدمات ایران به اسلام.

اسلام و ملیت:

۱. اساساً دین جزء مطالب و قوانین عامی است که اختصاص و تعلق به منطقه و مردم خاصی ندارد همانند قواعد ریاضیات.
۲. اگر سرزمین و زادگاه پیامبران، باید مورد توجه پیروان ادیان قرار بگیرد پس چرا این همه یهودی و مسیحی در دنیا، از دو پیامبری پیروی می کنند که اهل خاورمیانه بوده اند؟

فکر ملیت پرستی و نژاد پرستی فکری است که می خواهد ملل مختلف ۳. را در برابر یکدیگر قرار دهد. و این فکر به وسیله استعمار برای اینکه اصل تفرقه بینداز و حکومت کن را اجرا کند، بوجود آمد.

گرایش به جنبه های قومی و ملی در زبانهای اروپایی ناسیونالیسم خوانده می شود. نقطه مقابل ناسیونالیسم انترناسیونالیسم است که قضایا را با مقیاس جهانی می نگرد و احساسات ناسیونالیسمی را محکوم می کند. ولی اسلام احساسات منفی ناسیونالیسمی را محکوم می کند.

در قران هیچ جا خطابی به صورت یا ایها العرب یا ایها القرشیون پیدا نمی کنید، بلکه به صورت یا ایها الذین آمنوا دیده می شود که فرق نمی کند، مومن از هر قوم و ملتی باشد داخل خطاب است.

اسلام دینی نیست که تنها برای قوم مخصوصی آمده باشد. تاکیدات رسول اکرم (ص) درباره بی اساس بودن تعصبات قومی و نژادی اثر عمیقی در قلوب مسلمانان مخصوصاً مسلمانان غیر عرب گذاشت به طوری که آنها اسلام را از خود می دانستند و حساب اسلام را از کارهای خلفا جدا می دانستند و اعتراض آنها بر دستگاه خلافت همیشه بر این اساس بود که چرا به قوانین اسلامی عمل نمی شود.

طبق گواهی تاریخ، پیامبر نامه هایی به سران کشورهای جهان نوشتند و یکی از این نامه ها به خسرو پرویز پادشاه ایران بود و او تنها کسی بود که به نامه پیامبر اهانت کرد. و این نشانه فساد بود که در دستگاه حکومتی ایران بود.

اولین اسلام ایرانیان در یمن و بحرین بوده است. شاید اولین فرد مسلمان ایرانی سلمان فارسی است. سلمان نه تنها در میان شیعیان احترام زیاد دارد بلکه در میان اهل تسنن نیز در ردیف صحابه درجه اول به شمار می رود. وضع دینی و حکومتی آن روز ایران طوری بود که مردم تشنه یک سخن تازه و در حقیقت انتظار فرج به سر می بردند. تا آنکه زمان خلافت ابی بکر و تمام دوران خلافت عمر تقریباً تمام مملکت ایران به دست مسلمانان افتاد و ایرانیان گروه گروه دین اسلام را پذیرفتند.

در آن زمان دو قدرت درجه اول بر جهان حکومت می کرد: ایران و روم. سایر کشورها یا تحت الحمايه آنها بودند و یا باجگزار آنها.

ایرانیان از هر نظر برتری فوق العاده ای نسبت به مسلمانان داشتند. مهمترین عامل شکست حکومت ساسانی ناراضی بودن ایرانیان از وضع دولت و آیین و رسوم اجحاف آمیز آن زمان بود. اختلاف طبقاتی و بی علاقه‌گی مردم ایران نسبت به حکومت و دستگاه دینی و روحانیتشان سبب می شد که سربازان آنها در جنگها با میل و رغبت علیه مسلمانان نجنگند و حتی در بسیاری از موارد به آنها کمک کنند. هر چه روزگار می گذشت، برعلاقه و ارادت ایرانیان نسبت به اسلام و بر هجوم روز افزون آنان به اسلام و ترک کیشها و آیینهای قبلی و آداب و رسوم

پیشین افزوده می شد.

تاریخ نشان می دهد که هر چه استقلال سیاسی ایرانیان بیشتر شده، اقبال آنها به معنویات و واقعیات اسلام فزونی یافته است. ایرانیان با قدرت و نیروی خود توانستند خلافت از خاندان اموی به عباسی منتقل کنند. قطعا در آن زمان اگر می خواستند حکومت مستقل سیاسی تشکیل دهند برای آنها مقدور بود ولی در آن زمان نه به فکر تاسیس حکومت مستقل و حتی تجدید آیین کهن خود نبودند بلکه به آرزوی خود که زندگی در سایه حکومت دینی اسلامی در پرتو قرآن کریم بود می اندیشیدند.

ایرانیان هنگامی به فکر استقلال سیاسی افتادند که از حکومتهای عربی یا اینکه آنها یک حکومت واقعا اسلامی باشند صد در صد مایوس شدند. ایرانیان تنها به استقلال سیاسی قناعت نکردند بلکه به آیین مقدس اسلام سخت وفادار ماندند. اغلب ایرانیان در زمان استقلال سیاسی ایران مسلمان شده اند. ایرانیان اسلام را با عقل و اندیشه و خواسته های فطری خود سازگار می دیدند و نشان دادند که از خود اعراب، اسلام را با روحیات خود سازگارتر دانسته اند و دلیل آن این همه خدمات صادقانه ای است که در طول چهارده قرن به اسلام و قرآن نموده اند. پیامبر (ص) می فرماید: به خدا قسم من روزی را می بینم که همین ایرانیان که شما برای اسلام با آنان می جنگید، با شما بجنگند تا شما را مسلمان کنند

اگر احیای زبان فارسی به خاطر مبارزه با اسلام بود، چرا همین ایرانیان در احیای زبان عربی جدیت نمودند؟ زیرا زبان عربی را زبان اسلام می دانستند. زبان عربی زبان قرآن است نه زبان یک قوم و یک ملت، از موفقیتهای اسلام این است که ملل مختلف با زبانها و فرهنگهای گوناگون، آن را پذیرفته اند و هر یک به سهم خود و با ذوق و فرهنگ و زبان مخصوص خود خدماتی به اسلام کرده اند.

ایرانیان از قدیم الایام که مسلمان شدند بیش از اقوام و ملل دیگر نسبت به خاندان نبوت علاقه و ارادت نشان دادند. ایرانیان روح اسلام و معنی اسلام را در نزد خاندان رسالت یافتند، فقط خاندان رسالت بودند که پاسخگوی پرسشها و نیازهای واقعی روحی ایرانیان بودند.

خدمات اسلام به ایران:

نظام فکری و اعتقادی: مردم ایران در میان همه مللی که اسلام را پذیرفتند از یک امتیاز خاص برخوردارند و آن اینکه به سهولت نظام فکری پیشین خود را رها کردند و آنچنان با جدیت و عشق و علاقه در دل خود را به روی افکار و عقاید جدید باز کرد. در همه تاریخ ایران، تنها اسلام است که تدریجاً اکثریت قاطعی به دست آورد و مذهبهای دیگری مانند: مانوی و مزدکی را ریشه کن کرد و مسیحیت و یهودیت و زردشتی گری را در اقلیت ناچیزی قرار داد.

اولین چیزی که اسلام از ایران گرفت، تشنه افکار و عقاید مذهبی بود و به جای آن وحدت عقیده برقرار کرد. ایران در پرتوی گرایش به اسلام در همان وقت که کشورهای گرونده به مسیحیت در تاریکی قرون وسطی فرو رفته بودند، همدوش با سایر ملل اسلامی و پیشاپیش همه آنها مشعلدار تمدن اسلامی شد.

اسلام اجتماع طبقاتی آن روز را که ریشه بسیار کهن داشت و بر دو رکن خون و مالکیت قائم بود و همه قوانین و رسوم و آداب و سنن بر محور این دو رکن می گشت در هم ریخت و اجتماعی ساخت منهای این دو رکن، بر محور فضیلت، علم، سعی و عمل و تقوا. اسلام بود که مغول را در خود هضم کرد و از آدمکشانی آدمخوار، انسانهایی دانش دوست ساخت، مانند سلطان محمد خدا بنده.

خدمات ایران به اسلام:

خدمت یک قوم به یک دین این است که نیروهای مادی و معنوی خود، ذوق و استعداد و فکر و ابتکار و خود را در اختیار آن قرار دهد و در این کار خلوص نیت داشته باشد و ایرانیان همه نیروهای خود را در اختیار اسلام قرار دادند در جبهه نشر و تبلیغ و دعوت ملتهای دیگر، جبهه سربازی و نظامی و جبهه علم و فرهنگ، جبهه صنعت و هنر و... خدمات شایانی به اسلام کرده اند. زیرا ایرانیان دارای تمدن بودند و این تمدن در دوره اسلامی مورد استفاده واقع شده است.

هیچ ملتی مانند ایرانیان نسبت به هیچ دینی و آیینی این اندازه خدمت نکرده و صمیمیت به خرج نداده است.

در قیامهایی که در صدر اسلام از طرف مسلمانان ایرانی صورت گرفت، سخن از تساوی انسانهاست نه فضیلت عجم بر عرب. سربازی ایرانیان در راه اسلام یکی از صفحات درخشان روابط اسلام و ایران است. صحنه علم و فرهنگ و سיעترین و پرشورترین میدان های خدمات ایرانیان به اسلام است.

در میان علوم اسلامی، اولین علمی که تکون یافت علم قرائت و پس از آن علم تفسیر بود، اهتمام ایرانیان به تفسیر و فقه و حدیث که مستقیماً با متن اسلام مربوط بوده است از هر مورد دیگر بیشتر است. اکثریت قریب به اتفاق نویسندگان جوامع حدیث شیعه و سنی، ایرانی بوده اند. چهار نفر از قراء سبعة ایرانی بوده اند. خدمات ایرانیان به ادبیات و زبان عربی بیش از خود اعراب است. شاهکار های صنعتی ایران در دوره اسلامی اعم از معماری، نقاشی، خوشنویسی، تذهیب و غیره بیشتر در زمینه های دینی اسلامی

بوده است. یکی از مظاهر خدمات ذوقی و احساسی ایرانیان به اسلام، خدماتی است که از راه زبان فارسی به اسلام کرده اند. والاترین و عمیقترین معارف اعتقادی، اخلاقی و عرفانی اسلام در اشعار نغز و ماندگار شاعران پارسی زبان به چشم می خورد